

## ژاله وفا

از مجامع اسلامی ایرانیان

### اجلاس خزر و مسابقه در نظامی کردن این دریا

موضوع خزر امروز دیگر یک مناقشه دیپلماتیک دولتها نیست، بلکه پای نفت و حق حاکمیت ملتها و معادله منافع قدرتها و برای ما ایرانیان پای استقلال میهنمان در میان است.

در ۳ اردیبهشت ۸۱ مصادف با ۲۳ آوریل ۲۰۰۲، اجلاس سران کشورهای ساحلی، دریای بسته، خزر، برای تقسیم منابع غنی نفت و خاوبار و... در عشق آباد تشکیل شد. تشکیل این اجلاس چند نوبت به تأخیر افتاد. سرانجام اجلاس تشکیل شد، اما کمترین علامتی از توفیق در حل و فصل مسئله بروز نکرد.

کنفرانس عشق آباد نه تنها به امضای توافقی نینجامید، بلکه در آن حتی بر سر اعلامیه مشترکی نیز توافق نشد. جهت روشن کردن چرایی این شکست و به انجام نرسیدن اجلاس، نگارنده در این نوشتار مسائل زیر را بترتیب به اختصار بررسی خواهد کرد:

۱- سابقه تاریخی رژیم حقوقی دریای خزر

۲- نظامی کردن منطقه و نقش آمریکا و منافع قدرتهای خارجی در منطقه و زدوبندها و سیاستهای علنی و پست پرده‌ای که در منطقه بویژه در مورد رژیم حقوقی خزر بازی میکنند و نقش هر ۵ کشور.

۳- منافع و موقعیتهای ۵ کشور ساحلی خزر در رابطه با منابع نفت و گاز خزر بویژه ایران.

۴- بررسی دیپلماسی شکست خورده نظام ولایت مطلقه فقیه در باره خزر

۵- وجهت ثبت در تاریخ مواضع جناحهای درون حاکمیت در این زمینه

۶- راه حل خروج از تنگنای خزر بر وفق سیاستی بر پایه موازنه منفی که حافظ استقلال ایران باشد.

۱- سابقه تاریخی رژیم حقوقی دریای خزر

پیش از فروپاشی شوروی دو قرارداد سالهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ مبنای رژیم حقوقی خزر بین دو کشور ایران و شوروی سابق بود. با فروپاشی شوروی، این منطقه تبدیل به ۴ کشور شد. در سال ۱۹۹۱ و در آلماتا هر ۴ جمهوری شوروی سابق، متعهد شدند که به قراردادهای سابق شوروی متعهد باشند. البته آذربایجان مدعی بود که باید براساس رویه مسلط بر دریاچه‌های بین‌المللی دریا تقسیم برابر شود. جمهوری ترکمنستان نیز در آن زمان نظریه مشاع محدود را مطرح میکرد. منتهی قزاقستان از ابتدا نظر داشت که خزر یک دریاست و نه دریاچه. زیرا از طریق رودهای ولگا و دن به دریای آزاد ارتباط پیدا کرده است. از اینرو باید نظام حقوقی دریای آزاد بر آن ناظر باشد و نه دریاچه‌ها. لذا خواهان تقسیم خزر به بخشهای ملی بود. البته این نظر غیر منطقی بود و به غیر از آذربایجان، کشوری دیگر به آن توجه نداشت. روسیه معتقد بود که طبق رژیم حقوقی، از خزر باید به صورت مشاع استفاده شود و ایران هم طبق قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بر استفاده مشاع نظر داشت. بایستی خاطر نشان کرد که گزینه مشاع در برگیرنده بیشترین منافع برای ایران است.

امری دیگر که بایستی مورد توجه قرار گیرد این است که خزر دارای رژیم حقوقی بوده و هست. هرچند این رژیم که در خصوص

استفاده از منابع زیرزمینی و مسائل زیست محیطی، سکوت اتخاذ کرده است، باید تکمیل شود. لذا خلأی از نظر رژیم حقوقی وجود ندارد و این نکته‌ای بسیار حائز اهمیت است و تعهد سایر کشورها به قراردادهای قبلی مؤید آن است. اما از زمان فروپاشی شوروی تا اجلاس اخیر شرایط منطقه و نقش قدرتها تغییرات بسیار کرده است. بوی خوش نفت پیچیده در خزر، علاوه بر تهدید منابع زیست محیطی، دیپلماتهای کشورها را به تقلا و تلاش دوچندانی واداشته است.

طبق بررسی دکتر قربان، کارشناس نفت و گاز و عضو موسسه مطالعات دریای خزر در ایران، جاههای اصلی نفت و گاز در دریای خزر عمدتاً در دو بخش قرار گرفته‌اند. یکی در قسمت شمالی و مرزهای نزدیک به قزاقستان و دیگری در قسمت جنوبی نزدیک به آذربایجان. دوسوم نفت خزر در حوزه شمال و یک سوم آن در حوزه جنوبی آذربایجان قرار دارد. در مورد قسمت جنوبی ایران و قسمت شمالی روسیه نیز هنوز بررسی‌های دقیقی به عمل نیامده است. بنابر آمارهای بین‌المللی قزاقستان روزانه حدود ۸۰۰ هزار و آذربایجان حدود ۳۰۰ هزار بشکه نفت تولید می‌کنند ولی می‌توان پیش‌بینی افزایش تولید قزاقستان به یک میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه و آذربایجان به ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار بشکه در روز را داشت.

بر سر میزان ذخیره موجود نفت و گاز این دریاچه، که حدود و ثغور واقعی آنها هنوز چندان هم مشخص نیست، مقایسه‌ای دائم با ذخایر خلیج فارس و خلیج مکزیک و دریای شمال و آلاسکا صورت می‌گیرد، و هیچ‌کس هم قصد ندارد از موضع خود در این بازی عقب نشینی کند. به همین دلیل نیز این بازی همچنان بدون قواعد پیش می‌رود. از قبل از اجلاس اخیر، مدت‌هاست که آذربایجان نفت دریای خزر را استخراج می‌کند. روسیه و قزاقستان تقریباً در تقسیم بستر دریا باهم به توافق رسیده‌اند. ضمن اینکه اختلاف نظر بین آذربایجان و ترکمنستان و بین آذربایجان و ایران بر سر نفت به درگیری و دشمنی کشیده شده است. لذا توافقات دو جانبه و سه جانبه هر یک از این کشورها، گسست‌ها و پیوسته‌ایی در منظومه دیپلماسی پیرامون خزر ایجاد کرده است. بدون در نظر گرفتن این پیمانها و قراردادهای نمی‌توان عمق خطر عظیمی را که دیپلماسی منفعلانه نظام ولایت فقیه متوجه منافع ملی گردانده است را درک کرد. خصوصاً که با باز شدن پای قدرت نظامی آمریکا در خزر، ایران بعلاوه بی‌کفایتی مسئولان نظام ولایت فقیه در حلقه کامل آتش قرار خواهد گرفت! لذا در اینجا به منافع و به تبع آن مواضع هر یک از ۵ کشور و قراردادهای چند جانبه‌اش و نقش قدرت آمریکا در منطقه می‌پردازم.

## ۲ - نظامی کردن منطقه خزر و نقش آمریکا

مسئله میزان و سهم نفت و گاز کشورها یک مسئله است و نظامی شدن دریای خزر امری است که مستقیماً استقلال ایران را به خطر می‌اندازد و دایره حضور آمریکا و بیگانگان طمعکار را بدور ایران تنگ تر می‌سازد. مساله‌ای که هیچ ایرانی وطن دوستی نباید از آن غفلت کند.

جنگ افغانستان، به واشنگتن اجازه داد تا نیروهایش را در منطقه مستقر کند. دخالت نظامی آمریکا در منطقه که پس از رویدادهای ۱۱ سپتامبر صورت گرفت، بعد جدیدی به رقابتهای قبلی برای نفت و سایر منافع اقتصادی در آسیای مرکزی عصر پس از کمونیسم داده و این رقابتهای مشابه رقابت "بازی بزرگ" قرن نوزدهم این منطقه بین انگلیس و روسیه کرده است. آمریکا هزاران سرباز را به دو جمهوری از پنج کشور منطقه، یعنی ازبکستان و قرقیزستان گسیل داشته است. آمریکا همچنین مجوز اعزام تعداد بیشتری نیرو به تاجیکستان را نیز به دست آورده و کمک‌های لجستیکی فراوانی از قزاقستان دریافت کرده است. در ۱۹ آوریل ۲۰۰۲، هفته نامه آلمانی فرایتاگ مصاحبه‌ای با ژرژ فریدمن، مشاور ارتش آمریکا در امور استراتژیک انتشار داد. وی در این مصاحبه اظهار داشته است: "هم اینک هواپیماهای جنگی ما در قرقیزستان مستقر شده‌اند. وظیفه آنها این است که در صورت نامطمئن شدن اوضاع در پاکستان، بلافاصله مداخله کنند. نیروهای آمریکا در حال حاضر در گرجستان، قرقیزستان، فیلیپین، اندونزی و در مجموع در کل آسیا پراکنده‌اند. این امر اصلاً تصادفی نیست و چندان ربطی هم به (براندازی) صدام حسین ندارد."

پریشی اساسی که مطرح است و بعضاً دغدغه ما را بایستی تشکیل دهد این است که نیروهای آمریکایی حال در منطقه مستقر شده‌اند، برای چه مدت در منطقه آسیای میانه باقی خواهند ماند؟ عسکر آقاییف، رئیس جمهور قرقیزستان که تا آخر ماه فوریه پذیرای بیش از

۳ هزار سرباز و ۴۰ هواپیمای آمریکایی در فرودگاه "مناس" در نزدیکی بیشکک پایتخت آن کشور بود، یک قرارداد یکساله برای حضور نیروهای آمریکایی در آن کشور امضا کرده است. با این حال، او قبلاً گفته است که مدت این قرارداد قابل تمدید است. اسلام کریماف، رئیس جمهور ازبکستان که میزبان حداقل ۱۵۰۰ سرباز آمریکایی در یک پایگاه هوایی آن کشور است، گفته است: "هیچ محدودیت زمانی برای استفاده از این پایگاه وجود ندارد"

انتلیجنس آن لاین (۲۵ آوریل ۲۰۰۲) خبر می‌دهد که بر اساس موافقت نامه دفاعی که در ۲۸ مارس گذشته، در باکو، میان فرستاده حکومت بوش، میرا ریکاردل Mira Ricardel، معاون وزارت دفاع امریکادر امور قفقاز و وزیر دفاع آذربایجان، صفر اییوف، امضاء شد. امریکاییها متعهد شدند بنام منافع نفتی شان در منطقه!!، بعنوان مقدمه، یک کمک نظامی ۴/۴ میلیون دلاری به آذربایجان اعطاء نمایند. همزمان، در ۲۹ مارس، در واشنگتن، نام آذربایجان را در فهرست کشورهای گنجانند که فروش اسلحه به آنها مجاز است. از آن پس، شرکتهای اسلحه سازی که سالها حق فروش اسلحه به این کشور را نداشتند، مجاز شدند به آذربایجان اسلحه بفروشند. حیدر علی ایف بی درنگ از فرصت استفاده کرد: در ۱۶ آوریل، او فرمان تشکیل نیروی امنیتی ویژه را امضاء کرد. وظیفه منحصر این نیرو حفظ امنیت خط لوله نفت باکو تفلیس - سیهان است.

سکسپتور جدرس ککک قجآاده نه عقیق، ججهنک عمت قحاین فغانسب، عقت قلدرس عقت حقه، یفس رس علفس عقت عقت فوسای جمهور سابقاً کمونیسپک

## موضع جمهوری آذربایجان:

جمهوری آذربایجان که بخش عمده‌ای از منابع نفتی دریای خزر در نزدیکی خاک اصلی این کشور قرار دارد به شدت از موضع تقسیم دریای خزر به شعبات ملی طرفداری می‌کند. مؤلن جمهوری آذربایجان در ماههای اخیر تلاش کرده‌اند تا سطح مذاکرات و توافقات خود را با روسها افزایش دهند. جمهوری آذربایجان هم اکنون دو خط لوله فعال برای صادرات نفت خود دارد. یک خط لوله از باکو به بندر سوپسای گرجستان و خط لوله دوم به بندر نوروسیسک روسیه در دریای سیاه.

## موضع ترکمنستان:

ترکمنستان نزدیکترین مواضع را به ایران در بین کشورهای ساحلی دریای خزر داراست. اما اطمینانی در باره اینکه آنها به این نزدیکی ادامه دهند، وجود ندارد. ترکمن‌ها در مورد تعیین محدوده حاکمیت و مالکیت خود با جمهوری آذربایجان مشکلات اساسی دارند زیرا در محدوده فرضی برای مرزهای دو کشور حوزه نفتی مهمی وجود دارد که عشق آباد و باکو دارای چالش‌سستی بر سر مالکیت آن هستند.

در مورد ایران، ترکمن‌ها علیرغم آنکه مواضع نزدیکی با ایران دارند اما یک مشکل احتمالی در روابط آتی تهران و عشق آباد را نباید نادیده گرفت. چنانچه ایران از موضع مشاع عقب نشینی کند و گزینه سهم ۲۰ درصد را پیش برد که در ادامه مصوبه شورای امنیت را در این زمینه خواهد آورد، مشکل ایران و ترکمنها در آن هنگام بروز خواهد کرد. چراکه ایران در صورت تقسیم دریای خزر، ۲۰ درصد را حق و سهم طبیعی خود می‌داند و چنین امری به معنای چالش ایران، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان خواهد بود که اضافه شدن سهم هر یک در جنوب خزر می‌تواند به معنای کم شدن و کاهش سهم دیگری باشد.

## موضع قزاقستان:

قزاقستان به دلیل سواحل گسترده‌ای که در خزر دارد، چندان از تقسیم خزر به شعبات ملی ضرر نمی‌کند. قزاقستان در تقسیم احتمالی دریای خزر به سهمی بیش از ۲۰ درصد دست خواهد یافت. این کشور نیز همانند سایر کشورهای دریای خزر، اقدامات یکجانبه خود را در بهره برداری از منابع این دریا، موقوف به تکمیل رژیم حقوقی خزر نموده است و شرکت‌های بین‌المللی از جمله شرکت‌های نظیر شرکت نفتی "شورون" آمریکا را برای بهره برداری از منابع نفت و گاز خود در منطقه به ویژه حوزه عظیم تنگیز، دعوت نموده است.

قزاقستان در صدد اجرایی کردن توافق دو جانبه خود با روسیه در مورد تقسیم کف و بستر دریا و مشاع بودن سطح آن است. قزاق‌ها هم اینک یک خط لوله صادراتی فعال برای صادرات نفت خود دارند که روزانه ۶۰۰ هزار بشکه را از حوزه تنگیز به بندر نوروسیسک روسیه در دریای سیاه حمل می‌کند و قرار است تا سال ۲۰۰۸ ظرفیت آن به ۱/۲ میلیون بشکه در روز افزایش پیدا کند. قزاقستان در راستای توسعه ظرفیتهای خود در این حوزه، در ۱۲ سال اخیر همکاری با شرکت‌های (توتال) (تگزاکو) و شورون را تجربه کرده است

## موضع روسیه:

سیاست روسیه از سال ۱۹۹۸ تغییر کرد و نماینده روسیه گفت: سطح آبها مشاع باشد و زیربستر تقسیم شود و در این زمینه با قزاقستان به یک توافق دو جانبه دست یافتند و اکنون در تلاش هستند تا به توافق مشابهی با جمهوری آذربایجان دست یابند. شرکت‌های عظیم

نفتی روسیه منافع خود را در به انتظار ماندن تا تکمیل رژیم حقوقی دریای خزر نمی بینند و من باب نمونه شرکت لوک اویل روسیه در پروژه های بین المللی آذربایجان سهام عمده های را خریداری کرده است. از طرفی از نقطه نظر ملاحظات دفاعی - امنیتی دولت روسیه نگران تبدیل شدن خزر به پایگاه نظامی مخالفان روسیه می باشد.

در بخش دوم این نوشتار به تغییر مواضع نظام ولایت فقیه از مشاع به ۲۰ درصد و چرایی آن و ضررهایی که از بابت دیپلماسی منفعلانه و باج دهنده ایران متوجه منافع ایران می گردد و نیز مواضع منفعلانه جناح های درون حاکمیت خواهیم پرداخت و راه حل منطبق بر موازنه منفی را ارائه می نمایم.